



بازدید شد  
۱۳۸۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: بحار الحقايق في معرفة احوال العرب  
مؤلف: ابن کثير  
مترجم: ...  
شماره قفسه: ۱۴۴۴۳

شماره ثبت کتاب: ۸۹۹۹۱

جمهوری اسلامی ایران

۱۰۷۴۷



بازدید شد  
۱۳۸۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: *کتاب الحکمۃ فی علاج الامراض المزمنة* مؤلف: *ابو نصر محمد بن ابراهیم*

مترجم: *دکتر محمد علی...*

شماره قفسه: *۱۴۴۴۳*

شماره ثبت کتاب: *۸۹۹۶۱*

جمهوری اسلامی ایران

۱۰۷۲۷



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
تاسیس ۱۳۵۷



1559  
1999

کتابخانه آستان قدس  
تاریخ آستان قدس  
کتابخانه آستان قدس























فصل در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

فصل در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام

در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام  
در بیان اسباب و اقسام















فصل اول در بیان اقسام صواعق  
 صواعق را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق آسمانی و دیگری صواعق زمینی  
 صواعق آسمانی آنست که از ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق زمینی آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد

صواعق آسمانی را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق عظیمه و دیگری صواعق صغیره  
 صواعق عظیمه آنست که در ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق صغیره آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد  
 صواعق عظیمه را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق عظیمه عظمیه و دیگری صواعق عظیمه صغیره  
 صواعق عظیمه عظمیه آنست که در ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق عظیمه صغیره آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد  
 صواعق صغیره را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق صغیره عظمیه و دیگری صواعق صغیره صغیره  
 صواعق صغیره عظمیه آنست که در ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق صغیره صغیره آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد

لکه

فصل دوم در بیان اقسام صواعق  
 صواعق را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق آسمانی و دیگری صواعق زمینی  
 صواعق آسمانی آنست که از ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق زمینی آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد

صواعق آسمانی را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق عظیمه و دیگری صواعق صغیره  
 صواعق عظیمه آنست که در ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق صغیره آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد  
 صواعق عظیمه را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق عظیمه عظمیه و دیگری صواعق عظیمه صغیره  
 صواعق عظیمه عظمیه آنست که در ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق عظیمه صغیره آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد  
 صواعق صغیره را به دو قسم تقسیم می کنند یکی صواعق صغیره عظمیه و دیگری صواعق صغیره صغیره  
 صواعق صغیره عظمیه آنست که در ابرها می بارد و بر زمین می افتد و صواعق صغیره صغیره آنست که از زمین می بریزد و بر اشیاء می افتد

لکه











[illegible][illegible]











[illegible][illegible]



خطوات و تہذیب

تاریخ ۱۳۰۶/۱

۱۲۴  
 مکتبہ  
 مکتبہ















در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است  
و در بیان احوال و سیرت ائمه است

در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است  
و در بیان احوال و سیرت ائمه است

در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است  
و در بیان احوال و سیرت ائمه است

در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است  
و در بیان احوال و سیرت ائمه است

در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است  
و در بیان احوال و سیرت ائمه است

در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است  
و در بیان احوال و سیرت ائمه است



Handwritten notes at the top of the right page, including the word "علاج" (Treatment) and various medical terms.

Handwritten text on the right page, likely a medical treatise or commentary, written in a cursive script. It includes several lines of text with some red ink used for emphasis or headings.

Handwritten notes at the top of the left page, including the word "علاج" (Treatment) and various medical terms.

Handwritten text on the left page, continuing the medical treatise or commentary. It includes several lines of text with some red ink used for emphasis or headings.























در کوشش که با این طبع در شانه کا و انداخته حوالی کوشش کنان نکند تا نیند **درم**  
سوجه یعنی ششکاه چیت قرح کوشش و سیلان مد و کوشش و جمع انچه در **درم**  
انزروت سفید آب بر یک یکدم سوجه یکدم موم سفید سه درم روغن کشیده  
درم موم ساخته بکافتن خطک فیل که در کوشش نیند **درم** مری جهت جراحت انزروت  
کوشش **درم** که بخت درم عمل بخت درم با هم بکوشش نیند با قوام پس درم  
انکار سحر بران افشاند و درم سارند و فیل بدان آلوده در کوشش نیند **درم**  
بسیار که چیت قرح کوشش **درم** موم هم مثل رفت روی حار او قیصر بنالینج  
عکس الانا طریک هم او قیصر رفت هم مثل موم را در روغن و زیت بکند از دود  
بدان نیند و فیل بدان آلوده در کوشش نیند **درم** در دود و یه مفرد که کوشش  
نیز نیند و درم سوده در آب بپوشی غوطه بقطر نیند شکش در دود و مالای آن  
کوشش

در کوشش که با این طبع در شانه کا و انداخته حوالی کوشش کنان نکند تا نیند **درم**  
سوجه یعنی ششکاه چیت قرح کوشش و سیلان مد و کوشش و جمع انچه در **درم**  
انزروت سفید آب بر یک یکدم سوجه یکدم موم سفید سه درم روغن کشیده  
درم موم ساخته بکافتن خطک فیل که در کوشش نیند **درم** مری جهت جراحت انزروت  
کوشش **درم** که بخت درم عمل بخت درم با هم بکوشش نیند با قوام پس درم  
انکار سحر بران افشاند و درم سارند و فیل بدان آلوده در کوشش نیند **درم**  
بسیار که چیت قرح کوشش **درم** موم هم مثل رفت روی حار او قیصر بنالینج  
عکس الانا طریک هم او قیصر رفت هم مثل موم را در روغن و زیت بکند از دود  
بدان نیند و فیل بدان آلوده در کوشش نیند **درم** در دود و یه مفرد که کوشش  
نیز نیند و درم سوده در آب بپوشی غوطه بقطر نیند شکش در دود و مالای آن  
کوشش

در کوشش که با این طبع در شانه کا و انداخته حوالی کوشش کنان نکند تا نیند **درم**  
سوجه یعنی ششکاه چیت قرح کوشش و سیلان مد و کوشش و جمع انچه در **درم**  
انزروت سفید آب بر یک یکدم سوجه یکدم موم سفید سه درم روغن کشیده  
درم موم ساخته بکافتن خطک فیل که در کوشش نیند **درم** مری جهت جراحت انزروت  
کوشش **درم** که بخت درم عمل بخت درم با هم بکوشش نیند با قوام پس درم  
انکار سحر بران افشاند و درم سارند و فیل بدان آلوده در کوشش نیند **درم**  
بسیار که چیت قرح کوشش **درم** موم هم مثل رفت روی حار او قیصر بنالینج  
عکس الانا طریک هم او قیصر رفت هم مثل موم را در روغن و زیت بکند از دود  
بدان نیند و فیل بدان آلوده در کوشش نیند **درم** در دود و یه مفرد که کوشش  
نیز نیند و درم سوده در آب بپوشی غوطه بقطر نیند شکش در دود و مالای آن  
کوشش



[illegible][illegible]



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين







































































[illegible][illegible]

卷之九



























































فصل

علاج غزو بلخ  
السرور الراعي  
ابن دغني  
قاسم بن عبد الله  
اورنگ زيب  
دولت علي























منقول از باطن عم مجوم جنبه تقویت معده و باه حرکت **م** انگوره خالص چهار توله  
 بخیل شده نور قرضل باو کم از نور خونیان از نور تعلب مصری از نور و از خصل شیم  
 نور مصطلکی که به جینه قاضی حرکت کند که کند نیم نور سان العصاره سه توله  
 صغار بختیم نور بهمن قاضل که هر یک سه و نیم توله در زانیه در جینه هر یک سه و نیم توله  
 جلیله کالی و نور تله جلیله سیاه باو کم از نور خصل و نور خصل که هر یک باو کم از نور  
 سنبل و الطیب یک نیم توله شفاقل مصری است نور موزن شقی نیم از نار الکبری مقطر بخورده  
 بخیل و الکبری مقطر باو کم باو الکبری سیاه و آن سه و نیم توله باو کم از نور خصل  
 از نور باو کم از نور جلیله سیاه و کالی را در روغن زیتون آنقدر کجاست که در سرخ  
 شود سیاه شود پس ازین یک غصه سه اجزای لاکو قسه و نیمه و موزن و مقطر بخورده  
 و باو کم آنقدر که بخورده کی شود و جبهه بقدر که خصلی سازند شربت از یک سانه  
**ج ب ج** جبهه و جع معده و دفع راج و ریاضی است جبهه جرب است و ریس الطعام  
 و بعد از طعام می توان داد **م** سیاه که بلیه جوا که از نوشا در هر یک نیم گرم یک سانه  
 نمک سوخته نمک سانسیر هر یک یک گرم از خصل قاضل هر یک یک گرم و باو کم جلیله سیاه و طبرک  
 چهار گرم و در لاکو قسه جینه باب لیون مقدار که خصلی جبهه سازند شربت  
**ج ب** در صورت شده قبض سه جیم می توان و **ج ب** بابت والدینان  
 شیخ محمد بنی برای زیاده ای است با منقول از باطن عم مجوم **م** و آنه الا حلی  
 و عاقر قرحا که از هر یک دو سانه و نیم جوز و اب سیاه زعفران از هر یک یک سانه  
 زخیل شده طلفله از قرضل در جینه قسم اول بخیل که در شیر برود و باشد  
 از هر یک یک سانه و نیم این همه را در روغن زیتون و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 که از خود بهشتا و کولی بسته نگاه دارند و هر روز بوقت صبح یک جبهه و جفوات  
 پیچیده بخورند و بالای آن بر نه هاشم و جفوات انداخته بخورند و غذا مرغی و

شکر و زنجبیل و نباتانی و سیب و رو میوه با خود دارند و باو کم از نور  
 و باو کم از نور سیب که دو نیم خواهد شد **م** و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 قسم اول سفید کرده و سیب باو بسته شیر کا و ج از نار طرف که انداخته  
 آن سه و نیم که انداخته و سیب است بخیل که در شیر و زیتون که باو کم از نور  
 آتش دهند و بخیل که بر توله نگاه دارند و شیر را جایت و فن نمایند و باو کم از نور  
 شش ماهه بزرگ نمیدان او که انداخته باشد **ج ب** برای خضم طعام و تقطیل راج و  
 معده و قوی و اعتدال طبع و در جع باو کم و خصل باو کم از نور **ج ب** زخیل و  
 جلیله زیتون و سفید مقطر از خصل قاضل که هر یک یک گرم که قسه آب بابت  
 خصلی که شسته کولی بند و بقدر که خصلی که خاشه و خاشه شربت باو کم از نور  
 گرم و در طبع محبت برای تقویت معده انداخته و در زیتون و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 و به مقوی معده و دل و جگر و مولا و خلط صاع و معتدل الکینه است هر یک از آن  
 را که خواهند بعد از آن که کولی بخت و کم که بخورند و باو کم از نور و در زیتون که باو کم از نور  
 کف گرفته باشد که خوام آورده و بسته و شفاقل و رطب سازند و مقطر شربت بودله  
 بقدر اصباح مخلوط سازند **ج ب** در کلبات خاشه و و الیه **ج ب** در صورت  
 معده و جگر و جش و طافه باشد و از قوت و به و از برای پیران مفید **ج ب**  
 شراب که در روغن زیتون که باو کم از نور و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 منقول از قرضل نمک از هر یک نیم گرم در جینه خصل از هر یک یک گرم و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 کوفته سوای نمک و زعفران و دیگر که بسته و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 را که بخت انداخته و در روغن زیتون که باو کم از نور و در روغن زیتون که باو کم از نور  
 این که بخت انداخته و در روغن زیتون که باو کم از نور و در روغن زیتون که باو کم از نور  
**ج ب** معنی آن که در راج است باو کم از نور و طافه باشد و شفاقل که باو کم از نور

طریقی  
 اعطی  
 که بر کالیس











در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است

در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است

در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است

در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است

در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است

در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است  
و در این کتاب که در علم طب است











Handwritten marginal notes at the top of page 150, including the phrase "و بعضی بنا بر این می گویند که..."

Main text on page 150, written in a cursive script. It begins with "و بعضی بنا بر این می گویند که..." and continues with a detailed discussion of medical or philosophical concepts, mentioning terms like "مفعول", "فعل", and "مفعول به".

Handwritten marginal notes at the top of page 151, including the phrase "و بعضی بنا بر این می گویند که..."

Main text on page 151, continuing the discussion from the previous page. It includes several red-inked headings and sub-headings, such as "و بعضی بنا بر این می گویند که...", "و بعضی بنا بر این می گویند که...", and "و بعضی بنا بر این می گویند که...".























































































[illegible]

جوف معدنهائی کا زمرہ و جہانوں کا ایک دفعہ لائندہ عالم انسانی

۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴۸۳  
 ۴۸۴  
 ۴۸۵  
 ۴۸۶  
 ۴۸۷  
 ۴۸۸  
 ۴۸۹  
 ۴۹۰  
 ۴۹۱  
 ۴۹۲  
 ۴۹۳  
 ۴۹۴  
 ۴۹۵  
 ۴۹۶  
 ۴۹۷  
 ۴۹۸  
 ۴۹۹  
 ۵۰۰  
 ۵۰۱  
 ۵۰۲  
 ۵۰۳  
 ۵۰۴  
 ۵۰۵  
 ۵۰۶  
 ۵۰۷  
 ۵۰۸  
 ۵۰۹  
 ۵۱۰  
 ۵۱۱  
 ۵۱۲  
 ۵۱۳  
 ۵۱۴  
 ۵۱۵  
 ۵۱۶  
 ۵۱۷  
 ۵۱۸  
 ۵۱۹  
 ۵۲۰  
 ۵۲۱  
 ۵۲۲  
 ۵۲۳  
 ۵۲۴  
 ۵۲۵  
 ۵۲۶

[illegible]















































[illegible]

1866

[illegible]

卷之四











[illegible][illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a library stamp or ownership mark, located in the bottom right corner of the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the preceding text, written on aged paper.

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسمًا من موسمي القرآن الكريم

والمعنى ان الله تعالى قد علم ان  
الانسان اذا لم يزل في الدنيا  
يكون في الدنيا في الدنيا في الدنيا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

سازمان

200

5































۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

منه

[illegible]







1870  
1871  
1872  
1873  
1874  
1875  
1876  
1877  
1878  
1879  
1880  
1881  
1882  
1883  
1884  
1885  
1886  
1887  
1888  
1889  
1890  
1891  
1892  
1893  
1894  
1895  
1896  
1897  
1898  
1899  
1900  
1901  
1902  
1903  
1904  
1905  
1906  
1907  
1908  
1909  
1910  
1911  
1912  
1913  
1914  
1915  
1916  
1917  
1918  
1919  
1920  
1921  
1922  
1923  
1924  
1925  
1926  
1927  
1928  
1929  
1930  
1931  
1932  
1933  
1934  
1935  
1936  
1937  
1938  
1939  
1940  
1941  
1942  
1943  
1944  
1945  
1946  
1947  
1948  
1949  
1950  
1951  
1952  
1953  
1954  
1955  
1956  
1957  
1958  
1959  
1960  
1961  
1962  
1963  
1964  
1965  
1966  
1967  
1968  
1969  
1970  
1971  
1972  
1973  
1974  
1975  
1976  
1977  
1978  
1979  
1980  
1981  
1982  
1983  
1984  
1985  
1986  
1987  
1988  
1989  
1990  
1991  
1992  
1993  
1994  
1995  
1996  
1997  
1998  
1999  
2000  
2001  
2002  
2003  
2004  
2005  
2006  
2007  
2008  
2009  
2010  
2011  
2012  
2013  
2014  
2015  
2016  
2017  
2018  
2019  
2020  
2021  
2022  
2023  
2024  
2025  
2026  
2027  
2028  
2029  
2030  
2031  
2032  
2033  
2034  
2035  
2036  
2037  
2038  
2039  
2040  
2041  
2042  
2043  
2044  
2045  
2046  
2047  
2048  
2049  
2050  
2051  
2052  
2053  
2054  
2055  
2056  
2057  
2058  
2059  
2060  
2061  
2062  
2063  
2064  
2065  
2066  
2067  
2068  
2069  
2070  
2071  
2072  
2073  
2074  
2075  
2076  
2077  
2078  
2079  
2080  
2081  
2082  
2083  
2084  
2085  
2086  
2087  
2088  
2089  
2090  
2091  
2092  
2093  
2094  
2095  
2096  
2097  
2098  
2099  
2100  
2101  
2102  
2103  
2104  
2105  
2106  
2107  
2108  
2109  
2110  
2111  
2112  
2113  
2114  
2115  
2116  
2117  
2118  
2119  
2120  
2121  
2122  
2123  
2124  
2125  
2126  
2127  
2128  
2129  
2130  
2131  
2132  
2133  
2134  
2135  
2136  
2137  
2138  
2139  
2140  
2141  
2142  
2143  
2144  
2145  
2146  
2147  
2148  
2149  
2150  
2151  
2152  
2153  
2154  
2155  
2156  
2157  
2158  
2159  
2160  
2161  
2162  
2163  
2164  
2165  
2166  
2167  
2168  
2169  
2170  
2171  
2172  
2173  
2174  
2175  
2176  
2177  
2178  
2179  
2180  
2181  
2182  
2183  
2184  
2185  
2186  
2187  
2188  
2189  
2190  
2191  
2192  
2193  
2194  
2195  
2196  
2197  
2198  
2199  
2200  
2201  
2202  
2203  
2204  
2205  
2206  
2207  
2208  
2209  
2210  
2211  
2212  
2213  
2214  
2215  
2216  
2217  
2218  
2219  
2220  
2221  
2222  
2223  
2224  
2225  
2226  
2227  
2228  
2229  
2230  
2231  
2232  
2233  
2234  
2235  
2236  
2237  
2238  
2239  
2240  
2241  
2242  
2243  
2244  
2245  
2246  
2247  
2248  
2249  
2250  
2251  
2252  
2253  
2254  
2255  
2256  
2257  
2258  
2259  
2260  
2261  
2262  
2263  
2264  
2265  
2266  
2267  
2268  
2269  
2270  
2271  
2272  
2273  
2274  
2275  
2276  
2277  
2278  
2279  
2280  
2281  
2282  
2283  
2284  
2285  
2286  
2287  
2288  
2289  
2290  
2291  
2292  
2293  
2294  
2295  
2296  
2297  
2298  
2299  
2300  
2301  
2302  
2303  
2304  
2305  
2306  
2307  
2308  
2309  
2310  
2311  
2312  
2313  
2314  
2315  
2316  
2317  
2318  
2319  
2320  
2321  
2322  
2323  
2324  
2325  
2326  
2327  
2328  
2329  
2330  
2331  
2332  
2333  
2334  
2335  
2336  
2337  
2338  
2339  
2340  
2341  
2342  
2343  
2344  
2345  
2346  
2347  
2348  
2349  
2350  
2351  
2352  
2353  
2354  
2355  
2356  
2357  
2358  
2359  
2360  
2361  
2362  
2363  
2364  
2365  
2366  
2367  
2368  
2369  
2370  
2371  
2372  
2373  
2374  
2375  
2376  
2377  
2378  
2379  
2380  
2381  
2382  
2383  
2384  
2385  
2386  
2387  
2388  
2389  
2390  
2391  
2392  
2393  
2394  
2395  
2396  
2397  
2398  
2399  
2400  
2401  
2402  
2403  
2404  
2405  
2406  
2407  
2408  
2409  
2410  
2411  
2412  
2413  
2414  
2415  
2416  
2417  
2418  
2419  
2420  
2421  
2422  
2423  
2424  
2425  
2426  
2427  
2428  
2429  
2430  
2431  
2432  
2433  
2434  
2435  
2436  
2437  
2438  
2439  
2440  
2441  
2442  
2443  
2444  
2445  
2446  
2447  
2448  
2449  
2450  
2451  
2452  
2453  
2454  
2455  
2456  
2457  
2458  
2459  
2460  
2461  
2462  
2463  
2464  
2465  
2466  
2467  
2468  
2469  
2470  
2471  
2472  
2473  
2474  
2475  
2476  
2477  
2478  
2479  
2480  
2481  
2482  
2483  
2484  
2485  
2486  
2487  
2488  
2489  
2490  
2491  
2492  
2493  
2494  
2495  
2496  
2497  
2498  
2499  
2500  
2501  
2502  
2503  
2504  
2505  
2506  
2507  
2508  
2509  
2510  
2511  
2512  
2513  
2514  
2515  
2516  
2517  
2518  
2519  
2520  
2521  
2522  
2523  
2524  
2525  
2526  
2527  
2528  
2529  
2530  
2531  
2532  
2533  
2534  
2535  
2536  
2537  
2538  
2539  
2540  
2541  
2542  
2543  
2544  
2545  
2546  
2547  
2548  
2549  
2550  
2551  
25

Handwritten text in Arabic script, likely a marginal note or a page header, partially obscured by the binding.



[illegible][illegible]











بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لاهله

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







[illegible][illegible][illegible][illegible]



































[illegible][illegible]























[illegible][illegible]

*[Handwritten Persian text, likely a continuation of the letter or a separate note.]*

مرصافی خط قصب الذریره بر یک ده درم موم سفید یک دانس و من نار و من خندش  
باید هم با بایم باید تا من مرم **نحوه** که در نوشتن لافان کند و من نار و من خندش  
چا و شیر یک جندید سر قریون بایونه در و من موم سفید و من خندش  
ساب من موم در هم بسته نهاد نمایند **نحوه** بعد از تنقیه بسیار و من موم سفید  
بیاض و مرم **م** بر یک خنای سبز و شیر کشیده بند توت به کاروان  
و جلیون لافان موم کوبه آب سائیده بایم سر سیم گرم نهاد نمایند **نحوه**  
الی الاطباء و یکیل **م** بر زرداب البریاج الفار الجوان نظرون شمع او شمع قرد  
شمع خنخل انجود چاه شیر و سارین کشکوه استاره نصف کبریت استاره بنفشه  
و بوضع علی العنود و ترک الی ان یسقط بنفشه **نحوه** دیگر **م** جلد کیم تنان خطی  
بایونه اکلیل الکب آه جویند و بایونه بایونه بایونه بایونه بایونه بایونه  
نیم گرم نهاد کنند **نحوه** و جهت و جمع و در یک قریب است **م** حرف و در وی اسکر که بوی اهر

[illegible]



































نافع است **در شرب** کاسه نیم گرم کاسه سه اونس بر ارم کوفته در آن قند  
 آب که مطلوب باشد زنده کند و کثرت آید و صاف نماید پس کلاب و عرق کافور  
 بر یک نیم لی و آب کاسه عرق صندرم و قند سید خندان آمیخته بقوام آردند  
**در شرب** جهت تبهای کهن و اورا رول و جفن و زنده شدن سنگ کرده باشد  
 و دفع بر قانی و دفع سده جلد و سیر زافع است **در شرب** کاسه نیم گرم کاسه نیم گرم کاسه  
 حب و عرق یک حب شقال بوبت کاسه کل غاف کل خطی اصل السوس سنبلی  
 البزنجیه کافور بر یک حب شقال آبی باید کوفت مخلوطه چهار یک شایان روز در  
 جگر کل آینه نماید و سوزنی است درم آینه زو کوفت شده و در طبل نازد  
 نماید و قند سفید یک من اضافه کرده بقوام آردند شربت یک اونس **در شرب**  
 صابون و تبهای صفراوی را و ذات الحجب و ذات الریه و تب و سرفه و نافع باشد  
**در شرب** کل مخلوطه یک اونس و اگر تازه باشد یک چهار یک بوی شاد یک من قند  
 شربت سیر زافع **در شرب** ذات الحجب و ذات الریه و تب و سرفه و صابون  
 و در چشم و در کوفه را نافع بود و بول بر اند و سینه را نرم کند **در شرب** کل مخلوطه  
 یک چهار یک بوی شاد و بلالند و یک من قند بقوام آردند شربت خزند و اگر  
 شغل تازه باشد کوفت شغل خشک داخل کنند و باید هر دو را بسیار بوی شاد  
**در شرب** مائرا و آید و حصه و در سینه و سرفه و حی و دوی را نافع باشد  
**در شرب** صابون جرجانی یک چهار یک و درم من آب سیر زافع و بلالند و یک من  
 قند شربت سیر زافع **در شرب** از صفار زرد هم و در کثبات فادیه منقوطه و ضمه  
**در شرب** که در صیات حاده زانی که فی با فراط باشد بکار آید بر قلب حاد و در آن  
 تعویذ آن و لطیفه حرارت بنماید **در شرب** صندل سفید کلاب آب سیر زافع  
 آب به آب مخلوط آب بر یک بیدار یک لادن و در آنک نهادند و سیر اگر آید

در شرب کلاب

در شرب کلاب  
 در شرب کلاب  
 در شرب کلاب

بر یک و کلاب و صندل رنگ نموده بر یک لادن زباعت لطیفه حرارت بخوردند  
**در شرب** که در صیات حاده و کاه ماده و صندل و زانی آن و بلالند و سیر زافع  
 عطر و سیر و صندل و زافع درم **در شرب** لادن و سیر زافع و سوسن و درم  
 کل در یک حب و درم و درم کل کند و کل سیر چندم و یک و یک و صندل یک  
 و درم اضافه سازند **در شرب** جهت تبهای حاده و درم و سوسن و درم و درم  
 بنام شرب **در شرب** یک شرب کل کافور زانی صندل سیر و سوسن کاسه نیم گرم خیار  
 نیم کاسه نیم گرم کافور نیم گرم خربزه نیم گرم مقشر سفید طباسیر بر یک و درم  
 کل مخلوطه کل سیر شاد سیر بیدار یک ماز با طلا تازه بر یک بیدار کافور  
 نیم کوفت شربت مائرا بر یک کافور کتب بیدار کتب اینجا از شربه بیداری است که  
 زانی شغای او شغل خوشه می رود و کوفت مقشر تازه کاسه نیم گرم تازه را زانی  
 قند سیر سیرین ارم و بر یک نیم من کلاب و عرق سیر و عرق کاسه  
 عرق بیدار یک و درم من آب مقداد و درم علی الرسم عرق کنند **در شرب** سیر  
 جهت حی و درم و سوداوی مقید **در شرب** سیر خراج امار بیدار یک امار عرق بیدار  
 دو امار عرق شاد سیر یک امار بایات سفید نیم اونس بطریق متعارف عرق کنند  
**در شرب** کافور از حکیم عبدالهادی نافع از برای اسهال و عرق حاد و حی و درم و قند حاده  
**در شرب** کل مخلوطه یک اونس و سیر زافع کافور کتب بیدار کتب تازه و مقشر بر یک  
 نیم من صندل سفید شقال کد و تازه با طلا تازه بر یک بیدار یک سیر و درم  
 نیم گرم مقشر نیم من طباسیر سفید کثیر ایک و در شقال عرق بیدار یک عرق  
 عرق بیدار یک کلاب و درم من بیدار و مقشر عرق کنند و در عرق کنند  
 جهت شقال کافور قند و درم اول سودا و از سیر طاس که عرق در آن می جلد  
 بپاشند و عرق بر آن بپاشند **در شرب** بر یک با لیب مولف **در شرب** کل مخلوطه نیم

در شرب کلاب  
 در شرب کلاب  
 در شرب کلاب

عرق کافور

در شرب کلاب



































































98.

[illegible]











Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, possibly a list or a detailed description of items.

و چون ارسته











































در این کتاب...  
در این کتاب...  
در این کتاب...

کودن که گوشتی او می باشد...  
بسیار شش می نماید...  
در این کتاب...  
در این کتاب...  
در این کتاب...

کودن

در این کتاب...  
در این کتاب...  
در این کتاب...

کودن که گوشتی او می باشد...  
بسیار شش می نماید...  
در این کتاب...  
در این کتاب...  
در این کتاب...

در این کتاب...































































Handwritten text at the top of the right page, including the number 644 in the margin.

Main body of handwritten text on the right page, written in a cursive script.

Handwritten text at the bottom of the right page, including the number 96 in the margin.

Handwritten text at the top of the left page, including the number 349 in the margin.

Main body of handwritten text on the left page, written in a cursive script.

Handwritten text at the bottom of the left page, including the number 150 in the margin.















Handwritten notes at the top of the right page, including the title 'کتاب فی الحقیقه'.

Main body of handwritten text on the right page, written in a cursive script. The text discusses various topics, possibly related to the title 'کتاب فی الحقیقه'.

Extensive handwritten marginalia on the right side of the right page, continuing the discourse or providing commentary.

Handwritten notes at the top of the left page, including the title 'کتاب فی الحقیقه'.

Main body of handwritten text on the left page, continuing the discourse from the right page.

Extensive handwritten marginalia on the left side of the left page, continuing the discourse or providing commentary.







Handwritten marginal notes at the top of the right page, including the word 'موت' (Death) and other illegible script.

Main body of handwritten text on the right page, written in a cursive script. It contains several lines of prose, with some words highlighted in red ink (e.g., 'موت', 'موت', 'موت').

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the right page, continuing the text or providing commentary.

Handwritten marginal notes at the top of the left page, including the word 'موت' (Death) and other illegible script.

Main body of handwritten text on the left page, written in a cursive script. It contains several lines of prose, with some words highlighted in red ink (e.g., 'موت', 'موت', 'موت').

Extensive handwritten marginal notes on the left side of the left page, continuing the text or providing commentary.



























کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول

کتاب شافی در معجزات  
اول



بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

دعاء ربا  
الى خمسة  
الحاجه  
والترفعه  
هنا والفا  
6- الحان

کبری

بری و امیرالمؤمنین علیه السلام که از سبب غایت غایت شفا یافته اند و باید در  
 در وقت صبح و در اجابت طبعی نفس مستطابان اوضاعی در کفایت و خواست را  
 و از استغفار و بابت شربت و نیاز غایت و حنجره مندرک کرامت و میل به  
 و جاد و قوی چنانچه فصاحت و از سبب و بختی میوه عطر نرم نیاز بخاست و بخت  
 از جمله صلا و خواست بر ختم غایت بل برده کام جان را از حلاوت و شربت  
 و ایقان و طلقه ایکن شیرین کلام و طوطی شام که از سبب و ال طاهرین و اسرار  
 منتظر که کلام معجزان نشان غایت بشکال شکسته طبعی را مفعول غایت  
 است و کثرت و سحران سحر جود و عصیان را بر جبهه غایت ترمانی است روح  
 آخر الک الصوره و انشد الشیخ علیه السلام بحسن الایوم الذین **خفیف** و خفیف کاف  
 که قبل ازین اطبا حکم شاعر و حکام و حکام و نا محب استعداد دانش علی و حوض شش  
 علی خود را از کتب مقدس و متاخرین و معجزین مکتف است با خواص انساب نموده  
 بر ترفیع و ترفیع معجزات و سحر از سبب و طایبان این فن اطلاع و الک سحر  
 شود لهذا این مستند با نگاه و نیازمند درگاه و سحر الراجی الی فضل امیر الملک  
 الشان میر بشیر الدین علی خان الحی طبع مصفا الدواد این فایده و این فرخنده  
 اقتدار و از حلیت معجزات شفا حلقه ای شاه سکنه جاه مغفرت منزل خلق است  
 لود عظیم است فی مودت این و اما آن ملک شربت فلک سیرت عار و ربا و ال کلام  
 علم الک کفایت علی قدر غایت و عظیم است فی تزیین نظام علی خان غفر الله عنهما بن و اب  
 قدر قدرت عادت و الدنیم و از سبب و عالم بود در طون خطرات از سبب و خطرات  
 شکر سیرت است خاتم زمان میر قزاقان نظام الملک نظام الدواد و اصفیاه مغفرت است  
 و ملک و این و اما امیر ملک و اولاد و سحر و تصحیف کتب و علی علی انصاف علم الدواد  
 که انصاف علوم باعث شربت و خواست که تقدیر و روح و الدکان ترکبی جامع در

عسر البسر  
هو البسر  
فقط



وفاقیہ

[illegible]







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring various words and phrases.



اگر از عضو و انقباض اندک اندک از رطوبت رقیق در خلل فرج آنست جدا گردد و در ریه  
 منفذ که بجا میاید مانند ضلع است که در ریه در ریه است یعنی شست و نشو و پند  
 و آن دوائی را مانند که بقوت جالبه منفذ خود که رطوبت باشد بقوت فاعله که  
 حرارت باشد بکوت سلان در آورد و اخلاط را در امل کرد اندک اندک از سطح عضو مانند  
 مار السعد و آب مخصوص آب بکرم **قانی** یعنی کشنده و آن دوائی را مانند که بکوت  
 ضدیت خود روح حیوانی و قوی را فاسد و فانی کند و مملک ساند و مانند قوی  
 و اضمحلال و شست و این مملک است و بقیه گفته اند که هر حیوان را خصوصاً  
 با سم است و غیر حیوان را بقیه **قانی** یعنی خراشنده و است و جدا کننده  
 آن و آن دوائی را مانند که بکوت قوت جلا خود جلا دهد و غیر دوائی است  
 عضو را مانند قطره را در اندود هر چه بقیه و فایده بخشیدن و کف و مانند  
 این **بهره کادی** یعنی داغ کننده و سوزنده و مراد از آن دوائی است که جلا  
 بر شدت احرار و تخفیف نمود هم در دوائی اخلاط را پس در ساند و  
 مسام را بند کند و عضو را بکوت و مانند عضو گرم بر آن داغ کشنده مانند بقیه  
 و قطعاً **کاسه الريح** یعنی کشنده و داغ کننده و آن دوائی را مانند که قوت  
 ریح غلیظ محققه در اعضا بقوت حرارت و تخفیف خود در قوتش دفع نماید یا تحلیلی  
 برد مانند **سبب لادع** یعنی کشنده و آن دوائی را مانند که بقوت حرارت است و نفوذ  
 خود در عضو فرو رود و نفوذ نماید و کثیر قریب اعداد است که اجزاء آن مانند  
 محسوس مکررند مانند اسهال خردال یا کبریا که **تبا لرح** یعنی جسنه و آن دوائی را مانند  
 که با قوت و با ما القوة در عین مایه حرارت خردی و آن قانی است و کشنده اجزاء آن  
 از هم منقطع نگردد مانند چغری **میرد** و آن دوائی را مانند که بقوت مرده که در اعضا  
 برودت نماید مانند کافور **میرد** یعنی حرکت آورنده قوت یاه و زاده کشنده ماده و آن

دانی و ریح غلیظ منقطع است و آن دوائی را مانند که تولید ماده منی و ریح  
 بسبب حرارت منقطع در رطوبت خضیه خود در مجاری اعضاء و عضلات  
 انقباضات و حرکت شود مثل بختین و بوزران و زردک و مانند اینها **میرد**  
 یعنی خشک کننده و آن دوائی را مانند که بقوت تخفیف خود اعدادات بخفیف  
 خشکی در عضو نماید و رطوبات آنرا لطیف سازد و تحلیل ببرد و مانند سدر که  
**میرد** یعنی بسبب کشنده و آن ضد تحلیل است و آن دوائی را که کشنده است برودت  
 خود میگرداند و اخلاط رطوبات را مانند غیر البیج و آن **میرد** یعنی کوزنده و آن دوائی  
 را مانند که بسبب قوت حرارت نفوذ خود اجزاء لطیفه و رطوبات عضو را تحلیل برود  
 اعداد احرار و مملک نماید و قوت و قوت و در **میرد** یعنی خراش و آن دوائی  
 را مانند که بقوت حرارت و نفوذ خود جذب نماید اخلاط را در حاکم را بر روی است  
 جلد و ریه جد قوت نرساند مانند کسک و اجزه **میرد** یعنی تحلیل برنده و آن دوائی را مانند  
 که بقوت حرارت خود جدا نماید و ضعیف گرداند اخلاط را از موضعی که جسنه و قوت  
 اند در آن جدا گرداند اجزاء آنرا از هم و بخی دفع کند و حرکت نماید که باقی مانده از آن  
 جز مانند جسنه **میرد** یعنی سرخ کشنده و آن دوائی را مانند که بقوت گرمی و  
 خود گرم کند و عضو را و آنچه ملایم و متصل است بدان از خون جذب قوی و بوی  
 بسبب سرخ کشنده و ظاهر آنرا و فعل این قریب است بفعالی مانند خردال  
 و بقیه و قوت **میرد** یعنی با حسی کشنده و آن دوائی را مانند که بقوت برودت  
 و بیرونت و قوت خود میگرداند اخلاط را و سوزانند مسامات عضو و داغ  
 آنرا نفوذ روح نفسانه را از آن و اندک با حسی که اندود حرکت نماید و با  
 اندود روح نفسانه بسبب حرکت و کشنده که اندک احساس آن کم گفته  
 مانند ایون و مانند اکثر قیادت سرد و خشک **میرد** یعنی











و مرگه بر جبر است و معلوم است که  
بر کتب یافت مراد صریح است

[illegible]

مسقط

Handwritten manuscript page from the *Diwan-e-Nawab Mirza Asaf-ud-Daula*, featuring Persian calligraphy in Nasta'liq script.

[illegible]

نصفه از آن در هر روز بخورد











منع

12

مطوع

2

تقوله

—

100

is

22

10

2

11

۵۵۰

36

18

میرزا















[illegible][illegible]































































74

مستوفى

کے لئے

۱۰۰۰

10

در این کتاب







ان شاء الله تعالى  
تاريخ ۱۲۸۵  
مجلس ۱۲۸۵  
مجلس ۱۲۸۵  
مجلس ۱۲۸۵

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring dense cursive script and some marginalia.































م. ا. ب.

نور



Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, possibly a list or a detailed description of items.

اسمفل فون

42

Handwritten signature: *Handwritten signature*



































دل و خفقان را دفع کند و با هر راحه و تندرستی طار و در جمیع موضعی که سودا و زهر  
 سودمند است و چون طلا و خالص را در کردن طفل او نیز در مرض صرع امن گردد و در  
 است و محلول است لطیف تر و جوهر شیر خالص است و جنبه الذهب که نیکو است  
 حرکت را که میزد طبیعتش کج می و خشکی بایل است چون سوخته و محلول ساخته  
 در چشم کشند با هر راحه و در دود معده را که از سردی باشد سودمند است و با صاف  
 چشم را ببرد و طلا و آن بآب جبهه رافع بدوی انیل که کج را که بود **فوق شربت**  
 از یکم طلا و یکم از یکم **فوق شربت** شکر و عسل و آن با قوت محلول **فوق شربت**  
 ترک **فوق شربت** سندی و آن حیوان است معروف جری النفس و در آن  
 او خالص است بعضی بعضی است سندی در سیم کرم خشک چون جگر که در آن  
 جوش اند و آن را منیل نامند و در جگر رافع رساند و در آن معتدل کند که در آن  
 جبهه تب را که در مرض و قوت است و قوت است و چون سرش را که بخانه بیاورد  
 پنج مودی کرد آن نکرد و چون چشمش را بخود دارد و در موضع کرم و در دود  
 وی نکرد و در بل الذهب که نیکو است سر کس که کرم خوانند چون کینه قال دارد و در  
 شغال مرق با و این حکم کرده نیم کرم بایست مانند قوت کس که در جگر کینه شش  
 در کوبوی کشند که باره از دگر که خود کشد و بر تیفاه صاحب قوت کس که در دود  
**فوق شربت** از یکم طلا و یکم **فوق شربت** عسل و آن با قوت محلول **فوق شربت**  
**فوق شربت** سندی و آن حیوان است معروف جری النفس و در آن  
 باشد چینه و حطای و اینی و در ساند و شامی و ترک کوفه فارسی و بهتر شش چینه  
 است که چون بسکند و در شش یک کس که نیکو است طبیعتش کرم خشک در دود  
 و کوبند و اول با و بسکند و در دود معده و کرده و رافع بدوی و جگر که در دود  
 سودمند است و معصی و درم الطال را نافع بود و چون بسکند طلا کشد و با رایل کرد  
 و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده

و چون باب منها و کشد و درم کرم قرض و کینه و چون نازم سوده و با عذاب بیدار  
 خشک سازد و در سوزان طلا و در آب آنرا فرو بر جبهه سر کشد و در دود طب و شش  
 النفس را که در طب دفع **فوق شربت** از یکم طلا و یکم **فوق شربت** عسل و آن با قوت محلول  
 اطفال و ضعیف **فوق شربت** عسل و آن با قوت محلول **فوق شربت**  
 و در آن بسبیل لطیف است **فوق شربت** عسل و آن با قوت محلول **فوق شربت**  
 نازم **فوق شربت** سندی و آن حیوان است معروف جری النفس و در آن  
 و در اول خشک و تخم کرم تر از یک کس که نیکو است طبیعتش کرم خشک در دود  
 جمیع آن مقوی معده و محلول راحه و اخلاط غلیظه و مخفف قوی و با قوت محلول  
 سده بکشد و در دود شش جبهه بفراید و حیض و شیر براند و کینه و در آن  
 و در دود طب و بول و سودمند است و در سیم کرم خشک چون جگر که در آن  
 جوش اند و آن را منیل نامند و در جگر رافع رساند و در آن معتدل کند که در آن  
 جبهه تب را که در مرض و قوت است و قوت است و چون سرش را که بخانه بیاورد  
 پنج مودی کرد آن نکرد و چون چشمش را بخود دارد و در موضع کرم و در دود  
 وی نکرد و در بل الذهب که نیکو است سر کس که کرم خوانند چون کینه قال دارد و در  
 شغال مرق با و این حکم کرده نیم کرم بایست مانند قوت کس که در جگر کینه شش  
 در کوبوی کشند که باره از دگر که خود کشد و بر تیفاه صاحب قوت کس که در دود  
**فوق شربت** از یکم طلا و یکم **فوق شربت** عسل و آن با قوت محلول **فوق شربت**  
**فوق شربت** سندی و آن حیوان است معروف جری النفس و در آن  
 باشد چینه و حطای و اینی و در ساند و شامی و ترک کوفه فارسی و بهتر شش چینه  
 است که چون بسکند و در شش یک کس که نیکو است طبیعتش کرم خشک در دود  
 و کوبند و اول با و بسکند و در دود معده و کرده و رافع بدوی و جگر که در دود  
 سودمند است و معصی و درم الطال را نافع بود و چون بسکند طلا کشد و با رایل کرد  
 و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده

رازیانه و انار

مرغ سرخ و زرد

سند و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده  
 و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده  
 و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده  
 و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده و در دود معده







و بر جای دم از دلش سبب می نماید بقدره بر سر دورا و حجب الکرم  
 مع است در اول و در کرمی و سبب می نمودن چون نیم درم از دلش سبب بخارج  
 ریش ریش را نفوذ و نفوذ اندم را دفع کند و در واد العصب و در حجت در اول  
 و بویزد و گرم چون یکدکست و بویزد و بویزد و قدری کلاب بالاء آن می باشد  
 سده مراده بکشد و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 یکدکست از دلش سبب می نمودن و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 از یکدکست با ششغال و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 مع کثیر او در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 که حیوانات است و بهتر است آن از حیوان معتدل از طبیعت است گرم و تر غلیظ  
 و کثیر غذا و جسم بدن و طول او چنانچه ترطیب و مانع و جنون و بطوریکه در واد  
 نافع و حقیقت با یکدیگر چنانچه ترطیب اعصاب و انعا و کرده و تینش او را مصلحت  
 باطنی می نماید و هر چه جسم آن حریص تر و سیرت انزول تر و کثرت زمان آن  
 تراز بر اجزاء آن و منفرد آن اجزاء و در طبع و لیس آن اعدل و بطبع انقباض و غلیظ  
 تر و غلیظ آن رزی تراز بر اجزاء و بطبع انزول و غلیظ و مانع آن  
 رزی تر و کثرت کلام و غلیظ و مانع آن رزی تراز بر اجزاء و بطبع انزول و غلیظ و مانع آن  
 سده و نیم مع الکافه و در چنانچه و خرد و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 فارسی و آن مس سوخته است و طریقی اجزای آن در سطولات مطبوخت و بر سر  
 او سیاه مایل به خرمیست سیاه آن از بوی زرد که بسیار سوخته و خامه شده است  
 در سیموم گرم و خشک بسیار قابض و حقیقت و لطیف و تند و جذاب و منقح اجزای  
 و مدخل و جالی عا و جسم و مانع زیادتی خروج خبیثه و جهت بردن کثرت فایده

در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون

کله

روی سخته

مازنی

مانند مغسول آن لایم تر و آتش می دانی و درم آن با موم و روغن کند و مصلحت  
 مسهل قوی مایه و صغیر و چنانچه است خالص است نافع و آب باران و غسل منی و کثرت  
 و طریقی غسل آن مانند آبلیم است **فقد است** و بعد از موم و روغن کند  
 زیاده او کند **بل** تو مال نس **بیکان** و شش سحر است اسیرم فارسی  
**و کثرت باری** اندی و آن ریحان سبز مایل به زردی ریزه برگ است و قیسم  
 بزرگ برگ و سبز و تیره و در اول گرم و در دوم خشک محلل صغیر او را موم و موم و  
 منفذ سده و مانعی و رازی او مانع و با و رافع و در سحر خوریش و صاف فرین و کثرت راننده  
 موم و چنانچه خفایان و ضعف معده و رافع غلیظ نافع و عصاره آن با شکر رافع  
 در سینه و ریه و سوز و مقهوره و خاسیدن او چنانچه قلاع و غلظت کرده او آب میزد  
 معوی اعصاب و کرم او گرم و خشک است با عدال و کثرت معتدل در گرمی و سردی اول  
 رافوت و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 رسانند **فقد است** از تخم زرد شغال تا نشت درم و در عصاره و جرم او ناده و درم  
 تخم آن مضر کرده و مداومت بوسیدن او مضر و مانع **مع** خرد کوش و در غفرت  
 بوسیدن بیلور **بل** باور بخوبی و در تخم **مع** و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 و آن میوه است ترش و معروف است و نافع او را و کثرت در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون  
 و لطیف و با قوه قالیقه و معوی معده و منفرد و قابض و قوی و خشکی و عیان او ممکن  
 حدت صغیر و خون و رافع لور اسیر و طاعون و واد خفایان و واد سوس و ریحان  
 و کثرت است و مانع سوز و در دفع حرارت کند و منتهی باز دارد و غلظت کند و خون  
 عصاره او را در جسم کند و راننده جسم می نماید و چون اسیر کند و معده گرم و  
 اسباب صغیر او را سوزد و مندا و در ریحان سبز و کثرت از آب او است و کثرت  
 چنانچه خشک و جنون و بخارات اجزای نافع **فقد است** در آب او نشت درم

سیان

مانع و کثرت

فقد است

بیکان

مع الکافه و در چنانچه و خرد و در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون

در واد السطحان سر در است در اول و خشک است در گرم چون



















مفتی

مقوی و حاصل عرق الشب و نعترس و در دو مفاصل را دفع و بد و خدر و فالج و در ساق  
شد آید و عضو بر اگر بر آن طلا کنند قوی و قریب گرداند و مقدار یک درم آن نادر و درم  
و ضاد آن با یکبار اصل حبه خدام و التیام اغشی شکسته نافع **در شرب** از یک  
درم **نفس** شش **در شرب** قطران و کونید جاوید و سفیر است  
**در شرب** قطران و آن را در دشت صغیر یا بار که قسم از آن است  
می نماید و آن را در دشت بار در آنکه غیر عقیقوز و مسی است به متوب سیمان نماید  
میخیزد اثر را شایع می نماید و آن را در دشت شش که از اصاب سر و است و در  
آن مانند سر سر و از آن کو چلتر حاصل میشود آنرا قطران مانند در سیوم گرم و  
در اول خشک منبج اخلاط غلیظ و طین حلاطیات و آنرا میدان او جهه رلو و  
تقیه حرک سینه و حلق و دفع سمیت ادویه قنار و یا شکر حبه لغث الدم و  
عده سینه و سر و در نافع و ضاد آن جاذب خون است لظاهر جلد و جهت قریه  
کردن اعضا و یا ملک چنه گزین جانوران و با موم چنه برض ناخن و قوما و  
تحلیل جراحت جلد و شقاق مقدر و جراحت فم قنار سودمند **در شرب**  
تا که درم **نفس** سر و در **در شرب** و در یک کثیر **در شرب** نودن آن تغییر و کونید ربه  
او قطران **در شرب** قطران و آن را در دشت رطب است که بخوبی خور خشک  
یا طبع خشک در سیوم گرم و در گرم خشک و تخفیف او را به از رطوبت  
الضاح منبج تر از آن قریه و سقظه و توانا انفعاد در ریشیات فاسد را سودمند  
آید و کونیت نو بر و یا در دادم حلب را گرم کوانو و کاشیدن او بازده و تخم مرغ  
نیم حبه قطعه خون حیض و بوسه و است که در تقویت دم نافع و در سایر افعال  
ضعیف تر از رطب **در شرب** نام شقال **در شرب** **در شرب** و در عیاد و خاک  
**در شرب** **در شرب** و آن را را حبه لغث است و از معدن طلا و غیره از نیز هم می رسد































[illegible][illegible]























































[illegible][illegible]











































































































































































[illegible][illegible]



































































[illegible][illegible]























































































125

Wm

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, written on aged, stained paper.

در ایام حاصل شود و مختصر این ترکیب این میزد است که برین ایام **در هر روز** بخورد  
سه چهار یا پنج دفعه که احتیاج را و یعنی آنچه در شکم است از معده و امعاء و دل و شش  
جگر و کلیه و طحال و غیره بیرون کند و مغز نیز بیرون کند و موی سر هم بیرون  
آورد و این میوه یا این میوه را که تمام اعضای او را از کثرت و استخوان و عصب و اعصاب  
و شش و این و در هر چه در دلست فیکه که در دیگران است بدستور مذکور حق کنند و کار  
نیز خاله که یکی از این چهار میوه آنرا معده گوشت و استخوان و سر و پا و غیره را که بر  
آن حق کنند که بر خیم کشیده شود و نیز سبزه و لیکن جوی مقدور بر جامه بایند  
و در کنند و قدر شربت این از چهار تانه نیم آنرا بخت و وقت استعمال این میوه  
نشد و فیکه معده خالی باشد یا قریب شام که آن نیز وقت خلوی معده  
است یا انسانی طعام بجای آب نبوشند **در هر روز** چیزی بسیار لذیذ و مطبوع و من  
بدن چون بر صاع از سرش نوزاد یا و آنرا بر آب جلع میفرمایند و حرارت قوی را که در  
معده و جگر و قلب بپوشد بد اگر نه طعام بجای آب نبوشند نیز خالی از شام است  
و در صبح اطفالی حاده مرده که از صفرا و حرارت خون و سوء الهی و فساد خونی در  
دقیقه نیز خالی از صفت است خواه صبح از اقرص کافور بطریق و او بدستور و تکرار  
طعام بقصد صیاح استعمال کنند **در وقت** آن شیر یا ده که در لایم است جویش و لیم  
از اجزای که بسیار ترش میوه چمن و لیم که در زنده اخراجات است شعله پس در آب  
سفید که چهار تانه که باشند انداخته و یکسانه و آب دلال از رو یکجکلی و در آب  
نار از آن کم لغوی کاغذی است ادب بیفت از رو و بقدر کفایت نمک شکر خسته  
و با زنده که در لایم شده و ناول فرماید اکثر اوقات در سبزه از من و قوی و صبر و  
استوار و استعمال نمک بقدر که اکثری از او شده شده کم از عصاره باشد و چون  
وقت طعام با اکثر و دال خشک که در جگر و معده نبوشند منع معقول است و در آن

و ان از این مقام که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است























